

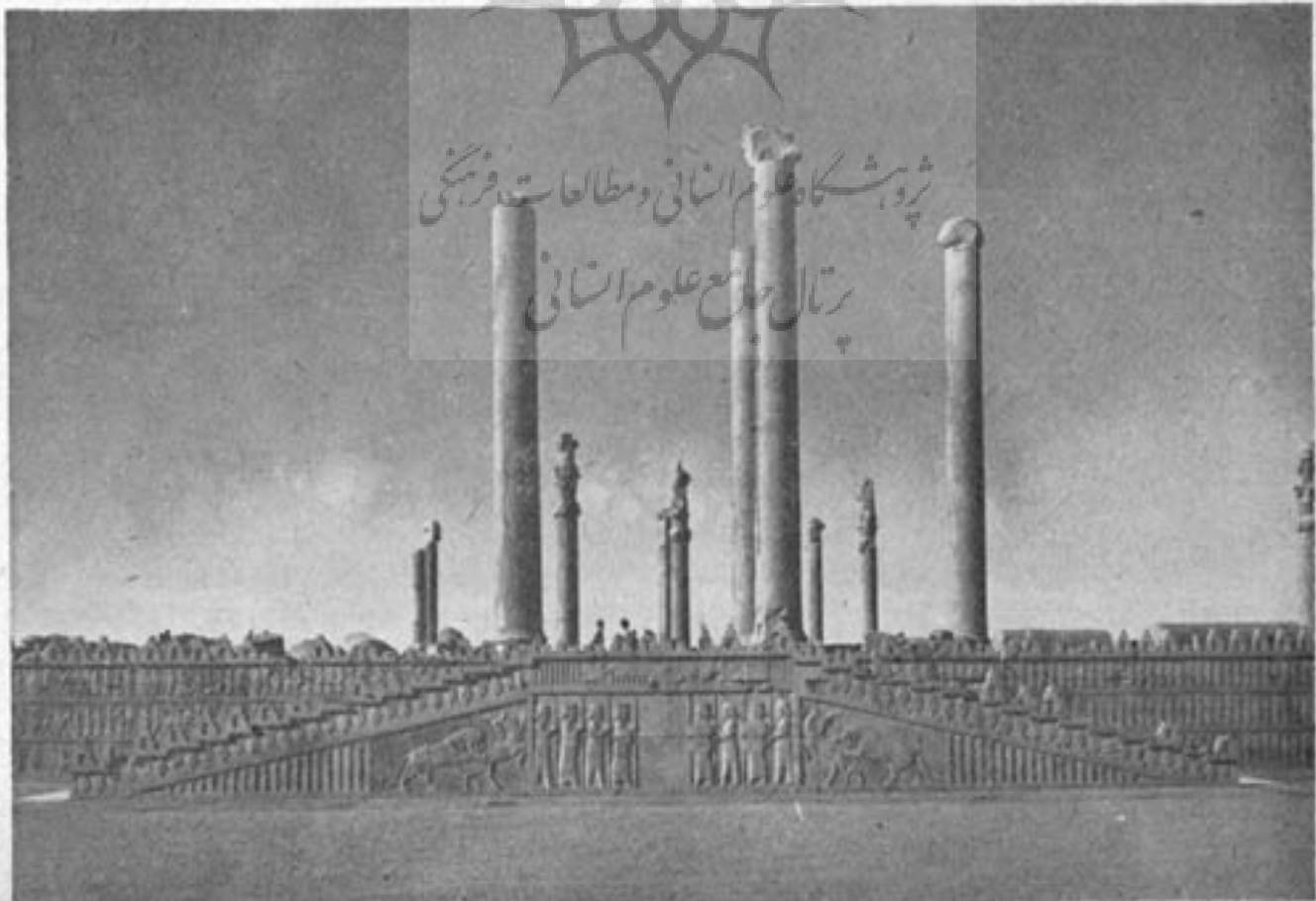
شباهت نامی تخت جمشید ساجامشی و صفهان عصر صفوی

دکتر عباس زمانی
استادیار دانشگاه ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران

در کنار مرو دشت فارس برافراشته است و از اطراف و اکناف عالم مورخین و جهانگردان را بجانب خود میخواند.
ساختمان اصفهان عصر صفوی در نوروز سال ۱۰۰۶ هجری قمری به فرمان شاه عباس کبیر (۱۳۰۸ - ۹۹۵ ه) یکی دیگر از بزرگترین و مقتدرترین شخصیت‌های تاریخی و ملی ایران شروع شد و اعتاب او هر یک بنوبه خود بناهای معظمی ایجاد کردند. آثار اصفهان عصر صفوی قریب چهارصد سال در مقابل

ساختمان تخت جمشید حدود سال ۵۲۰ قبل از میلاد به فرمان داریوش کبیر (۴۸۶ - ۵۲۲ ق م)، یکی از بزرگترین و مقتدرترین شخصیت‌های تاریخی و ملی ایران، صورت گرفت و اعتاب او هر یک بنوبه خود بناهای معظمی به آن افزودند. آثار این تخت قریب دوهزار و پانصد سال در مقابل حوادث طبیعی و صدمات و قساوتهای بشر پایداری کرده و هم‌اکنون چون روشن‌ترین و محکم‌ترین شواهد و مدارک تاریخی ایران

آثار تخت جمشید هخامنشی که قریب ۲۵۰۰ سال در مقابل حوادث مختلف پایداری کرده و چون روشن‌ترین شواهد و مدارک تاریخی ایران در کنار مرو دشت فارس برافراشته است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال ملی علوم انسانی

حوادث مختلف مقاومت کرده و هم‌اکنون به‌عنوان گروه دیگری از روشن‌ترین شواهد و مدارک تاریخی ایران نام برده میشود و از اطراف و اکناف عالم مورخین و جهانگردان را بسوی خود میخواند.^۲

تخت جمشید بیش از دوهزار و یکصد سال از اسفهان عصر صفوی قدیمی‌تر است اما، با وجود این فاصله زمانی، برادری این دوشهر و پدر و فرزندی بناکنندگان و به عبارت دیگر پیوندهای تاریخی و ملی آن دو جلوه گراست.

ما این پیوندها را در سه قسمت بشرح ذیل بررسی می‌کنیم:

۱ - تخت جمشید و بناکنندگان آن.

۲ - اسفهان عصر صفوی و بناکنندگان آن.

۳ - پیوندهای تاریخی بین آن دو.

الف - تخت جمشید و بناکنندگان آن - تخت جمشید، بطوریکه اشاره شد، در دوره هخامنشیان بنا گردید. جد هخامنشیان هخامنش نام داشت و نام خود را به این سلسله داد. اولاد هخامنش مدتی در فارس و خوزستان فعلی پادشاهی کردند و تابع پادشاهان ماد بودند. کمبوجیه اول (۵۵۹ - ۶۰۰ ق. م)، فرزند کوروش اول (۶۰۰ - ۶۴۰ ق. م)، با دختر آستیاگ (Astyages) پادشاه ماد ازدواج کرد و از این ازدواج کوروش بزرگ (۵۳۰ - ۵۵۹ ق. م) بوجود آمد. کوروش پایتخت

خود را درپازارگاد قرارداد و به مطیع کردن قبایل پرداخت. او اتحادی با نبوئید پادشاه بابل تشکیل داد و چون پادشاه ماد از این اتحاد که مخالف او بود آگاه شد، کوروش را بهمدان احضار کرد ولی وی از فرمان سلطان متبوع خود سر باز زد. پادشاه ماد تصمیم به تنبیه کوروش گرفت و در اجرای این تصمیم محاربه سختی در دو مرحله صورت گرفت که دومی تحت فرماندهی شخص آستیاگ بود. در این جنگ آستیاگ مغلوب گردید و از تخت سلطنت بریز آورده شد.^۳

کوروش با غلبه بر آستیاگ یک سلسله ملی ایرانی تشکیل داد که از ۵۵۹ تا ۳۳۰ قبل از میلاد سلطنت کرد. به علت وجود کوروش بزرگ (۵۳۰ - ۵۵۹ ق. م) و مرد نیرومند دیگر این سلسله، داریوش کبیر (۴۸۶ - ۵۲۲ ق. م)، سراسر آسیای غربی گشوده شد و بصورت نخستین امپراطوری یا شاهنشاهی ایران سازمان یافت و در قسمت مهمی از آسیا، شمال شرقی آفریقا، جنوب شرقی اروپا دوره تاریخی جدیدی آغاز گردید. ثبات

- ۱ - معاری ایرانی، تألیف پوپ، ترجمه غلامحسین صدیقی انشار، احمد ایرانی، تهران ۱۳۴۶، ص ۲۶ و ۲۸ و ۳۴.
- ۲ - آثار ایران، جلد دوم، جزوه اول، تألیف گدار فرانسوی، ترجمه سید محمدتقی مصطفوی تهران ۱۳۱۸.
- ۳ - ایران از آغاز تا اسلام، تألیف ر. گیرشس، ترجمه دکتر محمد معین، تهران ۱۳۳۶.

قسمتی از بناهای اسفهان عصر صفوی که قرب چهارصد سال در مقابل حوادث مختلف مقاومت کرده و به‌عنوان گروه دیگری از روشن‌ترین شواهد و مدارک تاریخی ایران برافراشته است



بیمسابقه‌های بدست آمد و شبکه ارتباطات و ایجاد شاهراههای طولی، با استراحت گاههای لازم، موجب رونق بازرگانی و تولید ثروت گردید.

ثبات و ارتباط، در قسمتهای مختلف شاهنشاهی، موجب رفاه و آسایش عمومی و گسترش تمدن و ایجاد عوامل تمدن از جمله رواج فوق العاده رشته‌های مختلف هنر گردید و بین رشته‌های هنری، معماری بصورت پارزی تجلی کرد و آثار باشکوهی شکل یافت و الهام بخش هنرکاران و هنرمندان هم عصر و بعد گردید.

یکی از مجموعه‌های آثار پرشکوه دوره هخامنشی در تخت جمشید صورت گرفت. این بناها در روی سکوی عظیمی بمساحت تقریباً ۴۵۰ × ۳۰۰ متر و محصور در یک حصار بوده است و قسمتهای مهم آن که تاکنون شناخته شده شرح ذیل است:

- ۱ - پلکان دوطرفی که بدو درجهت مخالف، و بعداً درجهت موافق هم بسطح سکو راه میدهد.

- ۲ - دروازه خشایارشا که مرکب از یک تالار چهار گوش شامل چهارستون و سه درگاه است.

- ۳ - آبادانا یا تالار بار که از طریق دروازه مزبور و حیاط شمالی به آن راه می‌یافته‌اند.

این تالار در بین سه ایوان ستوندار واقع در شمال، شرق و غرب خود قرار داشته و سقف آنرا شش ردیف ستون رفیع سنگی شش تایی، جمعاً ۳۶ ستون، تحمل می‌کرده است. سقف هر یک از ایوانها نیز در روی دوردیف ستون سنگی شش تایی قرار داشته است. در شمال و مشرق تالار آبادانا پلکان زیبائی از دو حیاط جلو خود، به این تالار عظیم راه میداده است.

در دیوارهای یک جانب این دو پلکان نقوش تاریخی مشتمل بر صف افسران و سربازان و عرابها و اسبهای شاهی و در جانب دیگر تصویر نمایندگان استانهای مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی در راه بازیافتن بختور شاهنشاه ایران دیده میشود. تصویر نمایندگان استانهای مختلف کشور هخامنشی از نظر اهمیت تاریخی و نمایاندن وضع لباس و هیأت کلی ساکنین هراستان بسیار مهم است.

- ۴ - تالار سه دروازه که دارای چهارستون و سه درگاه است و به کاخها و حرم راه دارد. این کاخ دارای پلکان دوطرفی زیبائی در سمت شمال است که نقوش سربازان و افسران پارسی و مادی بر جبهه‌های خارجی و داخلی آن نمایان است. از پلکان مزبور به ایوان دوستونی بلندی میرفته‌اند و از ایوان بدرون کاخ وارد میشده‌اند.

- ۵ - تچرا، احتمالاً کاخ زمستانی داریوش، که مرکب از یک تالار ستوندار مرکزی، دو اطاق چهارستونی و یک ایوان هشت ستونی و یک حیاط در سمت جنوب است.

- ۶ - کاخ خشایارشا که عبارت از یک تالار ستوندار و یک

ایوان ستوندار و چند اطاق در طرفین است.

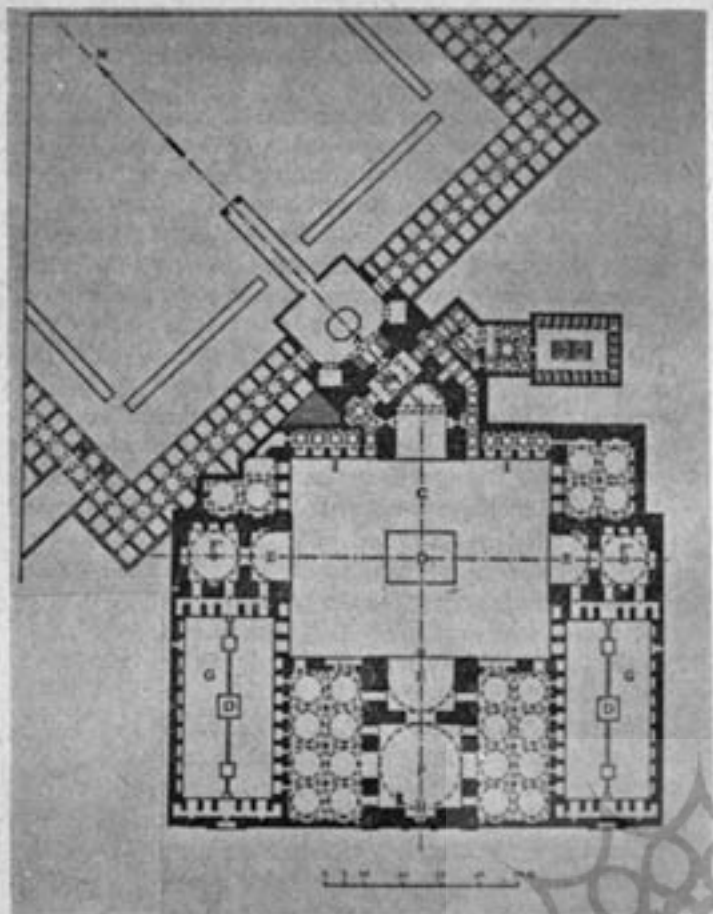
- ۷ - حرم سرا که شامل یک تالار ستوندار و یک ایوان ده ستونی و تعداد زیادی اطاقهای کوچک چهارستونی بوده‌است.

- ۸ - تالار سدستون که در شمال شرقی تخت واقع بوده است و در شمال آن یک ایوان ۱۶ ستونی قرار دارد. در شمال این ایوان حیاط وسیعی وجود دارد که در شمال آن یک تالار مربع چهارستونی نظیر دروازه خشایارشا تعبیه گردیده بوده‌است. اضافه بر بناهای مذکور آثار خزانه داریوش، که در پلانی مستطیل چند تالار ستوندار بزرگ و کوچک دارد، و آثار قسمتهای دیگری بنام کاخ اردشیر سوم، آرامگاه اردشیر دوم و سوم و استحکاماتی در منتهی‌الیه شمال شرقی تخت وجود دارد.

ب - اصفهان عصر صفوی و بناکنندگان آن - اصفهان این عصر توسط سلسله صفوی توسعه یافته و در واقع بنا گردیده است. جد صفویان شیخ صفی‌الدین اردبیلی عارف مشهور است. یکی از اعیان شیخ صفی‌الدین، اسماعیل، در سال ۹۰۷ هـ، در پی یک سلسله مبارزات جدی تاج و تخت ایران را بدست آورد و شاه اسماعیل نامیده شد. وی سلسله صفوی را که از ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هـ در ایران سلطنت کرد تأسیس نمود. این سلسله مذهب تشیع را در ایران رسمی نمود و در راه اتحاد قبایل و همبستگی قسمتهای مختلف ایران و توسعه آن قدمهای بلندی برداشت. ثبات لازم بدست آمد و موجب ایجاد شاهراهها و بنای کاروانسراها و رونق اقتصاد گردید. این شرایط رونق و تمرکز هنری در پی داشت و در بین رشته‌های مختلف هنری، معماری مقام ارجحندی احراز کرد. این هنر تقریباً بتمام سنتهای گذشته توجه نمود و گوئی میخواست تمام عظمت‌های گذشته از جمله عظمت‌های دوره هخامنشی را زنده کند و پیوندهای عصر خود و دوره هخامنشی را مستحکم سازد. قسمت عمده عظمت‌های معماری عصر صفوی در شهر اصفهان صورت گرفت که برای شناسائی بیشتر مختصری از جغرافیای تاریخی آن بیان میشود.

اصفهان در جمله آبادیهائی است که گرد یکدیگر حلقه زده و در ارتفاع بیش از ۱۵۰۰ متر در پایه شرقی کوههای زاگرس قرار گرفته است. این شهر در امتداد شرقی کوهستان مزبور واقع گردیده و از روزگار پیشین پیوسته گذرگاه لشکریان و بازرگانان بوده‌است. این شهر از جمله اقامتگاههای سلطنتی شهریاران هخامنشی بوده و در تواریخ قدیم بنام گابا یا گبی و در پارس علیا معرفی گردیده است. اصفهان در دوره اشکانیان و در زمان سلطنت ساسانیان مراکز استان وسیعی بوده ولی از آثار آن وقت چیزی جز اسم این شهر باقی نمانده است.

اصفهان در دو قرن اول هجری زیر سلطه خلفا بود و در سال ۳۱۹ هجری جزو قلمرو قدرت مرداویح زیاری گردید.



راست: پلان بناهای تخت جمشید هخامنشی ۱ - پلکان دوطرفی که سطح تخت جمشید راه میدهد ۲ - دروازه خشیارشا ۳ - ابوان شمالی آبادانا ۴ - آبادانا یا تالار بارعام ۵ - ابوان شرقی آبادانا (تالار سه دروازه جنوب شرقی این ابوان بچشم میخورد) ۶ - تالار صد ستون ۷ - پلان سایر بناها نیز مشخص شده است ۸ - تالار کاخ زمستانی داریوش کبیر ۹ - تالار صد ستون ۱۰ - پلان سایر بناها نیز مشخص شده است
چپ: پلان مسجد شاه اصفهان که از نظر حیاطها، ابوانها، تالارهای مربع و ستوندار قابل مقایسه با پلان قسمتهای مهم تخت جمشید است

ویکارگماشت^۷

یکی از مجموعه‌های ساختمانی مهم این شهر بناهای اطراف میدان شاه است. این میدان قبل از آنکه شاه‌عباس مقر فرمانروائی خود را به اصفهان منتقل کند در مرکز آن شهر وجود داشت. شاه‌عباس مبلغ مهمی برای زیبائی و آرایش آن اختصاص داد. میدان شاه همواره مورد بازدید و تحسین مسافران و جهانگردان داخل و خارج ایران بوده و هست. بناهای اطراف آن عبارتست از:

- ۴ - معماری ایرانی، تألیف پوپ، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار، احمد ایرانی، تهران ۱۳۴۶، ص ۲۲
- ۵ - ایضاً معماری ایرانی، ص ۳۴ و ۳۷
- ۶ - اقلیم پارس، تألیف سید محمدتقی مصطفوی، تهران ۱۳۴۳، ص ۲۲ تا ۳۶
- ۷ - آثار ایران، جلد دوم، جزوه اول، تألیف گدار فرانسوی، ترجمه سید محمدتقی مصطفوی، تهران ۱۳۱۸، ص ۲ تا ۱۹
- ۸ - ایضاً آثار ایران، ص ۷۹ و ۸۰

این شهر مدتی در تصرف آل بویه (۴۴۸ - ۳۲۰ هـ) بود و در سال ۴۴۳ هجری بنام طغرل سلجوقی افتاد و چندی بعد پایتخت امپراطوری وسیع سلجوقیان شد. سپس این شهر زیر نفوذ خوارزمشاهیان قرار گرفت و بالاخره بتصرف مغول درآمد. در اواسط قرن هشتم هجری بتصرف آل مظفر (۷۹۵ - ۷۱۳ هـ) درآمد و در ۷۹۰ هجری توسط لشکریان امیر تیمور لنگک قتل عام شد. آنگاه قره‌قوینلوها (۸۷۴ - ۷۸۲ هـ) و آق‌قوینلوها (۹۰۸ - ۷۸۰ هـ) آنرا تصرف کردند و پس از آن نوبت به دوره صفوی رسید^۷.

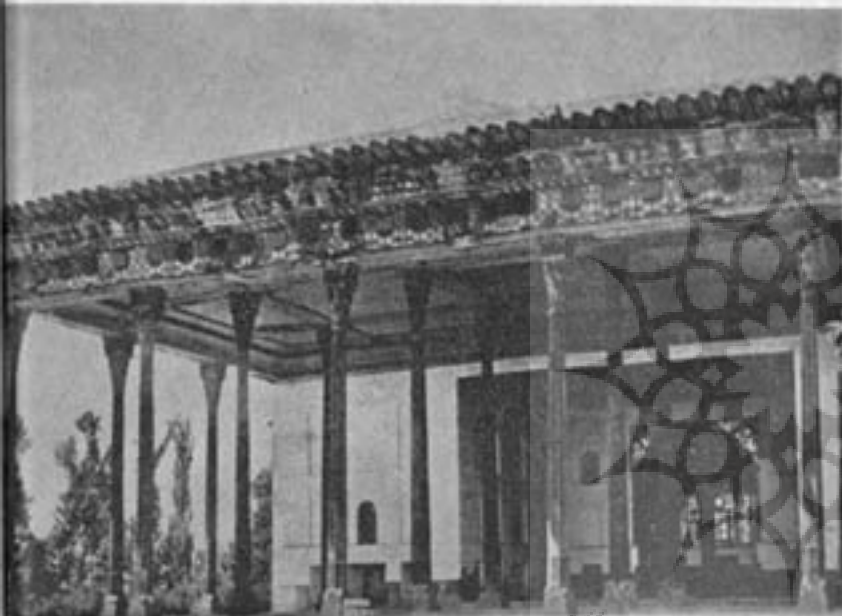
در زمان شاه‌عباس کبیر، پنجمین سلطان صفوی (۱۰۳۸ - ۹۹۵ هـ)، اصفهان به عنوان پایتخت رسمی کشور ایران انتخاب و جشنهای نوروز سال ۱۰۰۶ هجری (۱۵۹۸ میلادی) در آن شهر برپا شد. شاه‌عباس تصمیم گرفت، پایتخت خود را عالی‌ترین و باشکوه‌ترین شهرهای دنیا سازد. وی برای بزرگ کردن اولین کاخ خود، عالی‌قابو، بهترین معماران و هنرمندترین استادان کاشی‌ساز را از نقاط مختلف، حتی از هند، آورد



چپ : عالی قاپو یا آستانه کاخ بهیم عصر صفوی که ایوان بالای آن نیز از نظر ستونهای رفیع و سقف مسطح با ایوانهای دوره هخامنشی قابل مقایسه است

پائین : شکل تالار چهل ستون اصفهان عصر صفوی ، ستونهای رفیع شیاردار سقف مسطح آن را نگه میدارد

راست : دروازه خشایارشا یا آستانه بزرگ تخت جمشید هخامنشی



۱۰۰۶ هجری را در این کاخ برپا داشت و بلافاصله بتوسعه آن پرداخت تا احتیاجات او را از حیث دربار و حرمسرای سلطنتی تأمین نماید. این بنا قبل از آنکه شاه عباس اصفهان را بیابختن انتخاب کند در کنار میدان شاه ، از زمان تیموری ، وجود داشت . شاه عباس ساختمانهایی بر قسمت جلو آن افزود و طبقاتی در روی آن ساخت و پس از اتمام کار دیوانخانه و حرمسرای خود را در طبقات مختلف آن قرارداد .

در هر طبقه این بنا یک تالار کوچک در وسط و راهروها و دهلیزهای متعدد در اطراف آن وجود دارد . درست میدان شاه ایوانهایی ساخته شده که در آنها می‌نشسته و بمیدان و مناظر اطراف نگاه میکردند .

زیبایی این کاخ بواسطه دیوارهای آن بوده ، که طبق



شکل بازسازی شده ایوان آپادانا
نخت جمشید هخامنشی. ستونهای
رفیع شیاردار سقف مسطح آنرا
نگه می‌دارد

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲ - مسجد شیخ لطف‌الله - این مسجد در مقابل عالی‌قاپو واقع است. ساختمان آن در ۱۰۱۱ هجری آغاز شده و در ۱۰۲۸ خاتمه پذیرفته است. مدخل مسجد و راهرو و گنبد و محراب آن هر یک بعلمت کاشی‌ها و موزائیک‌های مرغوب از شاهکارهای هنری است. داخل تالار مربع مسجد نیز شامل کاشیهای زیبا و موزائیک‌های کم‌نظیر و کتیبه‌ها و قطار پیچهای فیروزه‌ای و پنجره‌های مشبک کاشی می‌باشد. ارتفاع گنبد در حدود ۳۳ متر است و کاشیکاری زیرسقف آن با طرح لوزی و ریزه‌کاریهای خاص صورت گرفته است. محراب موزائیک و مفرس‌کاری آن نیز از لحاظ هنر کاشی‌سازی در زمره آثار هنری مهم است.^{۱۰}

۳ - سردر قیصریه - این بنا که به سردر بازار شاهی نیز معروف است از بناهای زمان شاه‌عباس اول صفوی می‌باشد و در

گفته جهانگردان از جمله پیتر و دولواله ازبالا تا پائین زرین و با مذهب کاریهای عالی و رنگارنگ مزین بوده است. بر طبق گفته همین جهانگرد سقف‌های آن تماماً زرین و مشتمل بر نقوش برجسته زیبا بوده و بعضی اطاقها نیز با قطعه چوبهای جفت‌وجور شده تزئین یافته بوده است.

نخستین مدخل کاخ همان عالی‌قاپو یا در بلند است که نام خود را بنام بنا داده است. بر فراز این مدخل ایوان بزرگی قرار دارد که سقف مسطح آن بر روی سه ردیف ستونهای بلند که جمعاً ۱۸ عدد است، استوار گشته و در میانش حوضی یشمی با سه فواره زیبا جلوه میکسزده است. در همین ایوان شاه‌عباس بار میداده و از فراز آن در جشنهای برپاشده در میدان شاه شرکت میجسته و تماشای مسابقه‌ها و چوگان‌بازی و تیراندازی و رژه ارتش میبرداخته است.^{۱۱}



بالین سون شیاردار ای ازجیل سون اصلیان صفوی



قسمتی از يك سون شیاردار تحت جمشید هخامنشی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکسال پس از شروع این سردر مشغول پی ریزی مسجد شدند و طبق حاشیه بزرگ ایوان غربی آخرین تاریخی که این تاریخهای متعدد راجع باتمام منجد نوشته اند ۱۰۴۰ هجری می باشد. عناصر مهم این مسجد عبارت است از:

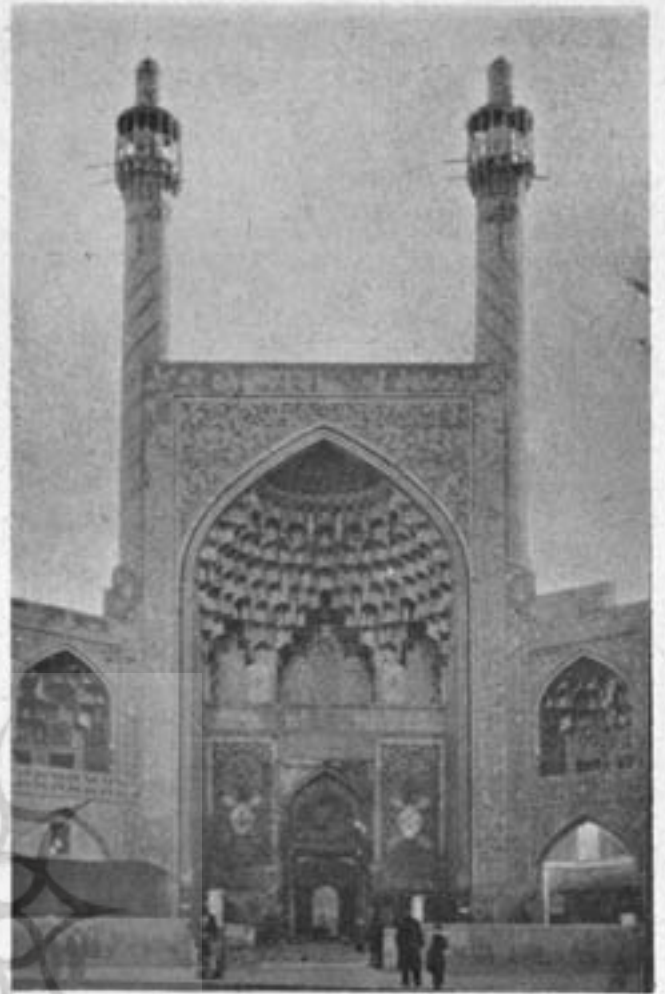
- اول يك حیاط مستطیل شرقی غربی .
- دوم چهار ایوان در چهار ضلع حیاط .
- سوم سه تالار مربع در پشت ایوانهای جنوبی، شرقی و غربی .
- چهارم دو تالار ستوندار در طرفین ایوان و تالار مربع جنوبی و دو حیاط مستطیل در طرفین دو تالار ستوندار مذکور.
- پنجم چهار منساره بالکن دار در طرفین سردر اصلی و طرفین ایوان جنوبی .

شمال میدان شاه در سالهای ۱۰۱۱ تا ۱۰۲۹ هجری ساخته شده است و اضافه بر کاشیکاریهای زیبا دارای نقاشیهای عالی است. در عقب طاق بزرگ نمای سردر و بر دیوارهای بالا و طرفین مدخل بازار یکی از جنگهای شاه عباس با اژبکان نقاشی شده است."

ع - مجد شاه - این مسجد در سال ۱۰۲۱ هجری بدستور شاه عباس کبیر شروع شد. این تاریخ مربوط به آغاز سر در اصلی آن در جنوب میدان شاه است این سردر دارای دو کتیبه است: یکی متن معمولی و راجع به بنیاد بنا است و دیگری هنگام اتمام کلیه قسمتهای آن الحاق شده است. کتیبه اول بخط ثلث بوده و بزبان عربی در روی کاشی معرق سفید بر زمینه لاجوردی نگاشته شده و کتیبه دوم در دو سطر، بهمان سبک ولی با حروف درشت، در بالای در قرار گرفته



چند ستون از تخت جمشید که نظر را بیلا می‌کشاند و اعتلا را میرساند



مدخل و مناره‌های مسجد شاه اصفهان که نظر را بیلا می‌کشاند و اعتلا را میرساند

پلان این کاخ بدو قسمت مشخص تقسیم میشود :
اول تالار چهل ستون که در روی سکو قرار دارد و دارای بیست ستون است که عکس آنها در آب استخر جلو آن منعکس میشود و جمعاً چهل ستون را نمایش میدهد . این تالار از سه طرف شمال و شرق و جنوب باز است و در واقع بصورت يك ايوان ستوندار است . سقف مسطح این تالار را ستونهای چوبی شیاردار تحمل می‌کند .

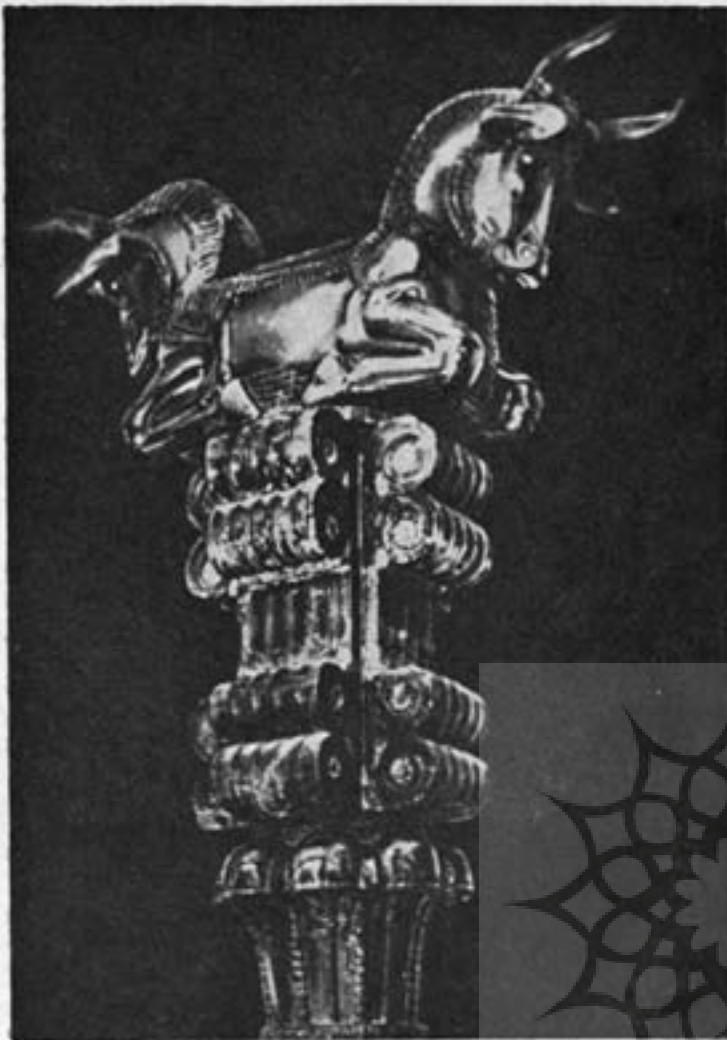
دوم تالار مستطیل شمالی - جنوبی پشت تالار چهل ستون که با سقف‌های گنبدی پوشیده شده است . در این تالار ، که بیشتر

۹ و ۱۰ و ۱۱ - ایضاً آثار ایران ، ص ۵۶ تا ۶۷ و ۷۵ تا ۷۷
و ۹۱ تا ۹۳ .
۱۲ - ایضاً آثار ایران ، ص ۸۳ تا ۸۹ .

شماره‌ها و قسمتهای واقع در بین ایوانها و تالارها .
داخل و خارج این مسجد یا کاشیهای هفت رنگ و آجرهای لعابدار مزین شده و در سردر اصلی موزائیک بکار رفته است .
موضوعات مهم تزئینی عبارتست از : مقرنس‌ها ، کتیبه‌های عربی و فارسی ، پیچهای تزئینی ، اسلیمی‌ها و گل‌بته‌ها .
مصلح عمده آن آجر و سنگ است ولی نسبت سنگ به آجر کم می‌باشد و قطعات نازک و بلند آن در روی دیوارها و جرزها نصب شده است^{۱۴} .

اضافه بر بناهای اطراف میدان شاه ، در زمان شاه عباس کبیر و اعقابش ، بناهای مهم دیگری نیز در اصفهان ساخته شده که چند دستگاه آن بشرح ذیل است :

چهل ستون - ساختمان این کاخ احتمالاً در حیات شاه عباس کبیر آغاز شده و در زمان اعقابش پایان رسیده است .



بیجیهای فلزی تزیینی سرستونی از تخت جمشید هخامنشی

با معماری دوره ساسانی خویشی دارد، مجالس بزرگ دربالا و مجالس کوچک درپائین نقاشی شده و حاوی صحنه‌های تاریخی دوره صفوی است.^{۱۳}

کاخ هشت بهشت - این بنا در یکی از باغهای بزرگ حاشیه خیابان چهارباغ اصفهان ساخته شده و در دوره قاجار مورد تصرف و تعمیر قرار گرفته است. پلان بنا اساساً چهار گوش است ولی چهار گوشه آن بریده شده و بشکل هشت گوش درآمده است بنحوی که طول اضلاعی که از بریده شدن گوشه‌ها حاصل شده کوتاه‌تر است.

قسمتهای مهم آن عبارتست از:

اول يك تالار مرکزی که از چهار ایوان واقع در چهار ضلع راه میگیرد.

دوم چهار ایوان که در روی چهار ضلع اصلی قرار دارد و هر يك بتالار مرکزی و قسمتهای طرفین خود راه میدهد. سوم چهار اطاق و راهروهای مجاور آنها که در چهار گوشه بنا قرار دارد. این چهار قسمت در دو طبقه تشکیل هشت قسمت را داده است که احتمالاً از نظر تزیینات زیبا و مجلل به هشت بهشت معروف گردیده است.^{۱۴}

کلیه بناهای مذکور و واقع در اصفهان کم یا بیش با بناهای تخت جمشید پیوند دارد و دنباله بررسی ما مربوط به همین مطلب است.

ج - بررسی پیوندهای تاریخی تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی.

اول از نظر قدمت. در زمانی که تخت جمشید در پارس بنا شده و مقر شاهنشاهان هخامنشی بوده، اصفهان نیز در پارس علیاً وجود داشته و یکی از اقامتگاههای شاهنشاهی هخامنشی بوده است.

این دوشهر در عصری متارن آباد و بنحوی مورد توجه هخامنشیان بوده است. تخت جمشید توسط قوای اجنبی زیر فرمان اسکندر ویران گردیده و نتوانسته است آبادی گذشته را باز یابد ولی اصفهان در فراز و نشیبهای زمانی بزرگی خود ادامه داده و در عصر صفوی شکوهی نظیر شکوه تخت جمشید هخامنشی بدست آورده و هنوز هم زنده است. این دوشهر بمنزله دو پرفرند که یکی با سرعت باوج جلال میرسد و افول می‌کند ولی دیگری پس از گذشت بیش از دوهزار سال باوج جلال میرسد و افولی بمعنای برادر اول ندارد.

دوم از نظر موقعیت طبیعی - هر يك از دوشهر در انتهای و یا دامنه کوهستان و کنار دشت حاصلخیزی واقع است. تخت جمشید در غرب کوه رحمت و شرق مرودشت و اصفهان در شرق کوههای زاگرس و کنار جلگه اصفهان واقع است و اضافه بر آن هر دو در کنار شاهراه شمالی - جنوبی ایران واقع‌اند. سوم از نظر بنا کنندگان - هر يك از دوشهر بدست یکی از بزرگترین سلسله‌های ملی ایران، که شور و شوق وطن پرستی

و عظمت و توسعه ایران را در سر داشته و در این راه تا جایی که شرایط زمان مساعد بوده موفق شده‌اند، ساخته شده و یا توسعه یافته است. این بنا کنندگان میخواستند شهر مورد توجه خود را بمنتهای جلال برسانند و برای این منظور از هنر کاران اطراف و اکناف استفاده کرده‌اند.

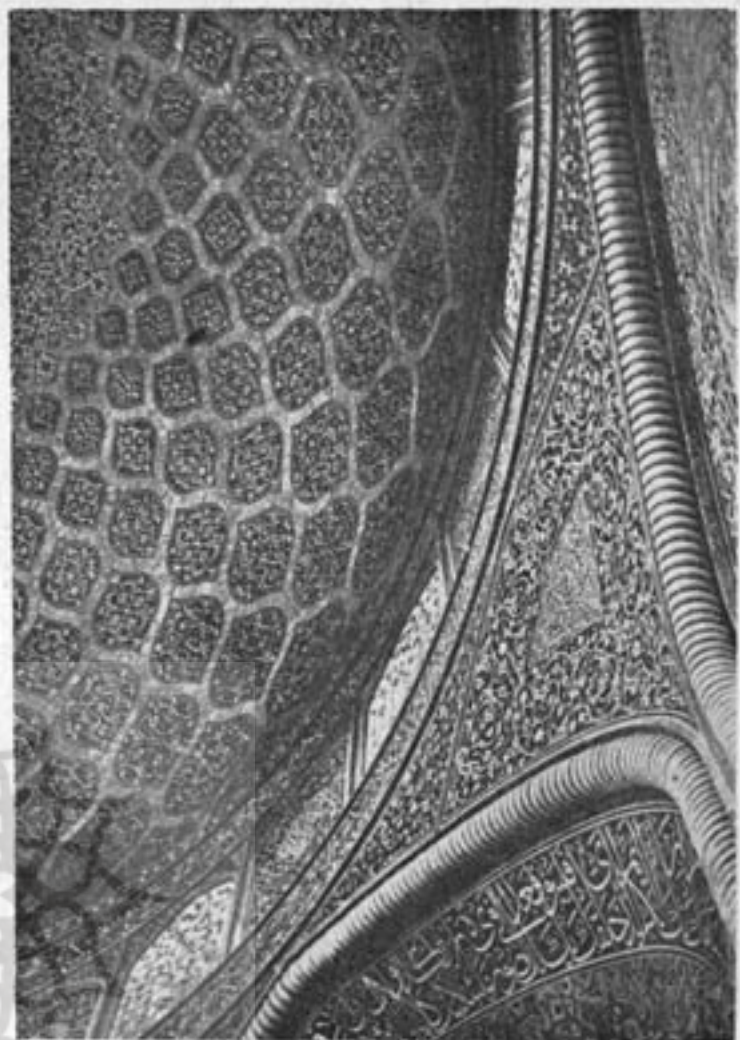
چهارم از نظر هدف ایجاد و توسعه - تخت جمشید یکی از پایتخت‌های هخامنشی و اصفهان یکی از پایتخت‌های صفوی بوده است ولی، اضافه بر جنبه پایتختی، این دوشهر جنبه قوی مذهبی نیز داشته است، بخصوص تخت جمشید که به عقیده بعضی از مورخین اصولاً يك پایتخت سیاسی نبوده است. پرفور

اعیاد رسمی يك دليل سياسی است بازهم باهویت مخصوص تخت جمشید بیشتری خواهیم برد زیرا مهمترین تشریفات مذهبی و ملی و سیاسی در آن شهر انجام میگرفته است .

و اما درباره جنبه مذهبی عصر صفوی ، صفویه شدت از مذهب تشیع جانبداری میکردند و اضافه بر مرکزیت سیاسی و کشوری این شهر مرکزیت مذهبی نیز داشت ، به علاوه بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ایران بخصوص عید نوروز ، همان طوری که در تخت جمشید اجرا میشد در اصفهان نیز بعمل می آمد و دیدیم که جشنهای نوروز ۱۰۰۶ هجری در این شهر برگزار و از همان سال به پایتختی انتخاب گردید . صرف نظر از این موارد اصفهان محل پذیرائی نمایندگان کشورهای مختلف در عالی قاپو و سایر کاخها بود . تفاوتی که در اینجا چشم میخورد اینست که در تخت جمشید نمایندگان ملل تابعه شاهنشاهی و در اصفهان نمایندگان کشورهای مستقل بار می یافتند ولی این موضوع به آن معنی نیست که در عصر صفوی نمایندگان ایالات مختلف ایران بدربار صفوی پذیرفته نمیشدند .

از طرف دیگر این دو شهر نمایشگر جلال و شکوه کشور ایران بود و به احتمال قوی بنا کنندگان آنها میخواسته اند آینه تمام قدی از عظمت و قدرت کشور در پیش روی خود و بینندگان بگذارند . در این باره راجع به تخت جمشید می توان بگفته پرفسور پوپ امریکائی : «تخت جمشید به طرز آشکار نمایشگر کشور بود : هنر آن در حقیقت هنر آنچنان حکومتی بود که به اقوام گوناگون خود به عنوان اعضای اجتماعی بزرگ غرور و اعتماد می بخشید»^{۱۱} . و در مورد اصفهان به گفته آندره گدار فرانسوی : «شاه عباس اول مراسم جشن نوروز ۱۰۰۶ هجری (۱۵۹۸ میلادی) را در کاخ کوچکی که در اصفهان داشت و نقش جهان نامیده میشد ، برپا نمود . . . در همان زمان نیز تصمیم گرفت که پایتخت خود را عالی ترین و باشکوه ترین شهرهای دنیا سازد»^{۱۲} . شاه عباس فرمان میداد و خودش شخصاً عملیات مزبور را اداره و نظارت میکرد . . . و اصفهان نوینی سحر آسا بوجود آمد»^{۱۳} .

پنجم از نظر صفا و طراوت - در تخت جمشید و اصفهان ، هر دو ، به باغهای سبز و خرم توجه بوده است . در مورد تخت جمشید محل باغها بنحوی روشن مشخص شده ولی از خلال نوشته های بعضی از مورخین این موضوع استنباط میشود به علاوه نقوش متعدد گل و گیاه از جمله درختان کاج که در جوار سایر



بیچهای فلزی تزیینی داخل تالار مسجد شاه لطف الله (اصفهان عصر صفوی)

پوپ امریکائی در این باره میگوید : «این نظریه عادی که گویا تخت جمشید در درجه اول تعدادی کاج باشکوه بوده که بمنظور توصیف قدرت سیاسی و خشنودی خاطر شاهانه بنا شده بود ، طرز تفکر غربی است . . . تخت جمشید در حقیقت زیارتگاه ملی مقدسی بود که وقف هدف ویژه ای شده بود : به منظور پایگاه استواری برای برقراری جشنهای بهاران یا نوروز ، از طریق تمام منابع تظاهرات نمایشی ، از قدرتهای آسمانی اعطای فراوانی و حاصلخیزی طلب میشد»^{۱۵} . اگر چنانچه بطور درست این نظریه را قبول نکنیم و بگوئیم حضور نمایندگان ملل مختلف در مواقع معینی از جمله

۱۳ و ۱۴ - ایضاً آثار ایران ، ص ۸۹ تا ۹۱ و ص ۱۱۱ و ۱۱۲ .
 ۱۵ - معماری ایرانی ، تألیف پوپ ، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار ، احمد ایرانی ، تهران ۱۳۴۶ ، ص ۳۰ .
 ۱۶ - ایضاً معماری ایرانی ، ص ۴۰ .
 ۱۷ - آثار ایران ، جلد دوم ، جزوه اول ، تألیف آندره گدار ، ترجمه سید محمدتقی مصطفوی ، ص ۱۴ و ۱۵ .

نقوش حجاری شده این نظرا تأیید می کند. پرفور پوب امریکائی به این ترتیب مختصراً به این مورد اشاره می کند: «معابد و باغها سرمشق نهائی این شهر مقدس هخامنشی است». در مورد باغهای اصفهان مدارک زیادی وجود دارد و محل باغها نیز بخوبی روشن است. مهمترین این باغها در خیابان چهارباغ فرمان شامعباس ایجاد شده اضافه بر آن بگفته گذار فرانسوی: «در حقیقت چهارباغ بیشتر برای اینکه باغ باشد ساخته شد، نه خیابان خاصه که این اسلوب خیابان سازی برای عبور و مرور در آن زمان مورد احتیاج نبوده است و از حیث هیأت و ترکیب طوری است که بیشتر برای محل گردش و تفریح بوده تا برای رفت و آمد شهر»^{۱۸}.

ششم از نظر آثار تاریخی - آثار و بناهای تخت جمشید از لحاظ عوامل و عناصر معماری و تزیینات آن با آثار و بناهای اصفهان عصر صفوی وجود مشابه و به عبارت دیگر پیوندهای تاریخی دارد:

از لحاظ پلان:

۱ - بناهای تخت جمشید در روی سکوی عظیمی ساخته شده و هر یک از آنها نیز می تواند سکوی جداگانه ای داشته باشد مانند تالار آپادانا. این سکو در بعضی از بناهای اصفهان چون تالار چهل ستون نیز بکار رفته است.

۲ - در بناهای تخت جمشید حیاط چهار گوش و ایوان و تالارهای مربع بشدت مورد توجه بوده مانند حیاط و ایوان کاخ اختصاصی داریوش و ایوان و حیاط شمالی تالار سدستون و تالارهای مربع کاخ سدر و اژه و اطاقهای مربع چهار ستونی حر مرای شاهی. حیاط و ایوان و تالارهای مربع بکثرت در بناهای اصفهان بکار رفته است و حتی گاهی پلان این سه عنصر معماری در یک بنا قرار گرفته است مانند مسجد شاه اصفهان که دارای یک حیاط اصلی و دو حیاط جنبی، چهار ایوان و سه تالار مربع است. تالار مربع مسجد شیخ لطف الله مثال مجلی دیگری از تالارهای مربع عصر صفوی است. تفاوت موجود مربوط به پوشش بنا

است به این معنی که چون سقف تالارها و ایوانهای هخامنشی مسطح بوده برای تحمل این نوع سقف استعمال ستون ضرور بوده است ولی در عصر صفوی که برای پوشش از گنبد و یا سقف گهوارهای استفاده میشده احتیاجی به ستون نبوده است. بعلاوه در عصر صفوی ایوان ستوندار و دارای سقف مسطح نیز مورد توجه بوده است و مثال بارز ما ایوان بزرگ کاخ عالی قاپو است.

۳ - در بناهای مهم تخت جمشید معمولاً دروازه ای وجود داشته که در واقع از طریق آن اندن دخول بکاخ حاصل میشده و بنابراین دارای اهمیت و احترام خاص بوده است مانند دروازه خشایارشا. این مدخل و یا بطور بهتر آستانه در کاخهای اصفهان عصر صفوی نیز وجود داشته مانند مدخل عالی قاپو

اصفهان که به علت احترام و اهمیت خود این عنوان را به مجموع قسمتهای کاخ داده است.

۴ - تقریباً در همه بناهای تخت جمشید تالارهای ستوندار معمول و اکثر عظیم و وسیع بوده است مانند آپادانا و تالار سدستون. این نوع تالارها در اصفهان عصر صفوی نیز معمول بوده و بهترین مثال ما چهل ستون اصفهان است.

از لحاظ فرم:

در این مورد بخصوص در پوشش بناها تفاوت وجود دارد به این معنی که سقف اکثر بناهای هخامنشی از جمله تخت جمشید مسطح بوده و روی ستونهای سنگی و یا چوبی قرار داشته است ولی در عصر صفوی از جمله بناهای اصفهان اکثر سقفهای گنبدی و ضریبی و یا گهوارهای بکار رفته است. در عین حال از این لحاظ هم کم و بیش تشابه و پیوند حفظ شده است.

۱ - بطوریکه گفته شد سقف اکثر بناهای تخت جمشید مسطح بوده و ستونهای سنگی یا چوبی آنها را تحمل میکرد است. در بعضی بناهای مهم اصفهان نیز سقف مسطح است و روی ستونها قرار دارد مانند ایوان عالی قاپو و چهل ستون.

۲ - در بناهای تخت جمشید ستونهای سنگی و چوبی بکثرت استعمال شده است. در بناهای عصر صفوی نیز ستون بکار برده شده است ولی این ستونها بیشتر چوبی و آجری است مانند ستونهای ایوان عالی قاپو و ستونهای چهل ستون و ستونهای آجری بعضی از مساجد اصفهان.

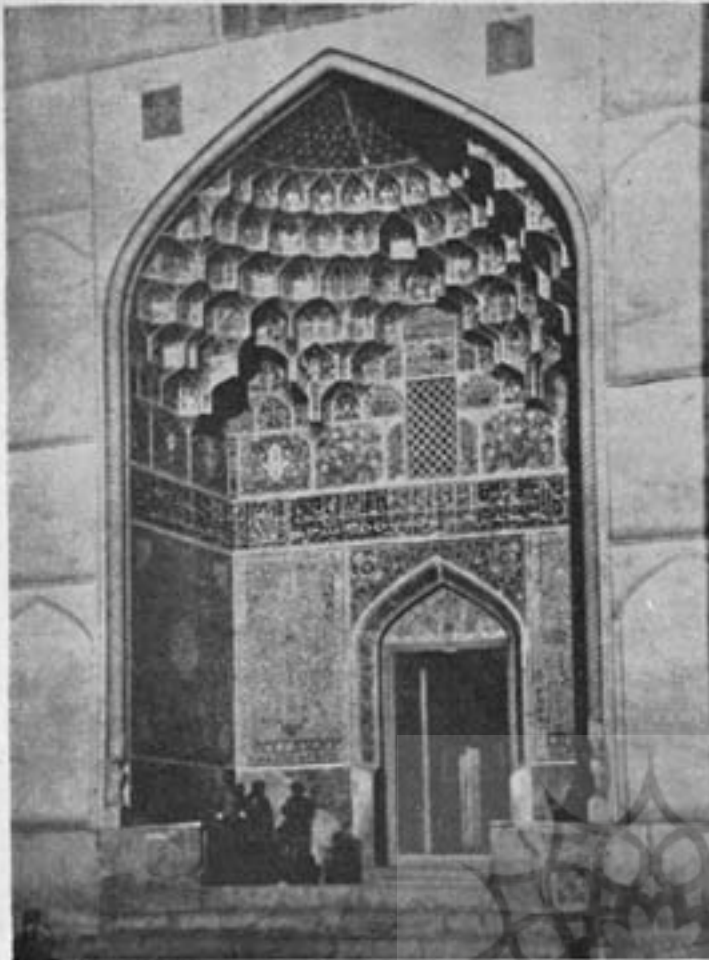
۳ - در معماری هخامنشی، بخصوص در ستونها، خطوط عمودی و احساسات ناشی از این خطوط جالب توجه است. این خطوط نظراً بیلا می کشاند و بسوی آسمان متوجه می کند. در اصفهان عصر صفوی نیز خطوط عمودی و احساس ناشی از آن در مناره های رفیع چون مناره های مدخل و طرفین ایوان جنوبی مسجد شاه منظور و وجه مشترکی از این لحاظ ارائه گردیده است.

از لحاظ مصالح:

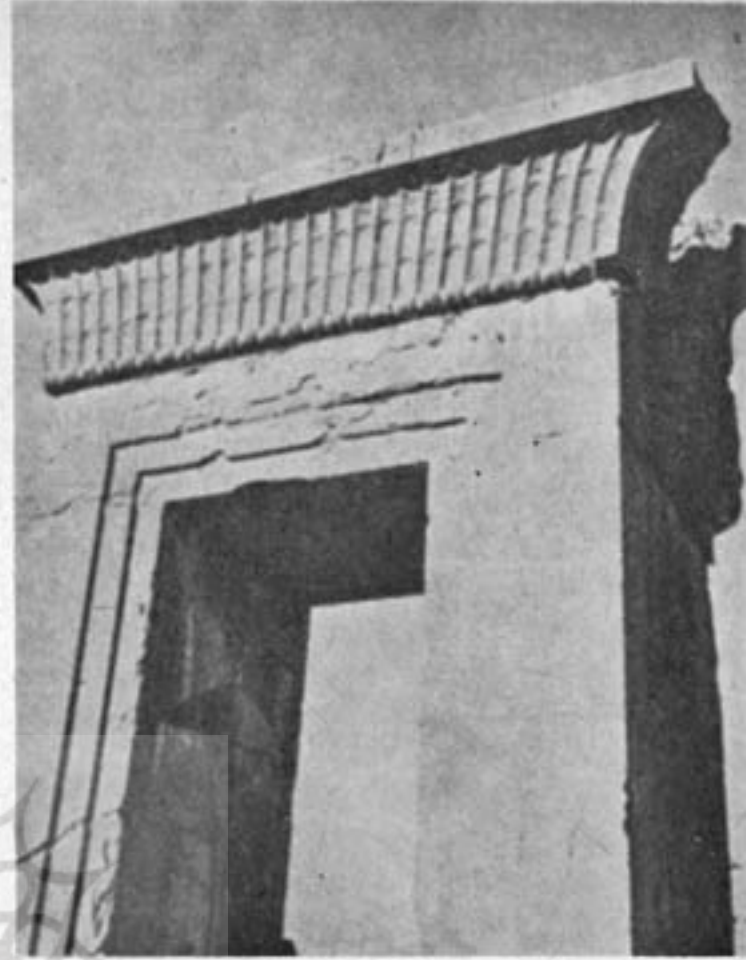
۱ - در تخت جمشید اکثر از سنگ استفاده شده و در اساس کار کمتر بمصالح دیگر توجه شده است. در دوره صفوی بیشتر از آجر استفاده شده ولی گاه و بیگاه سنگ نیز بکار رفته است مانند قطعات نازک و بلند سنگی که در روی دیوارها و جرزهای مسجد شاه نصب شده است.

۲ - در مواردی خشت خام نیز در بناهای تخت جمشید و اصفهان عصر صفوی بکار رفته است.

۳ - در بعضی بناهای تخت جمشید ستونها چوبی بوده مانند قسمت مربوط به خزانه و در سقف نیز تیرهای چوبی بکار رفته و قاب بندی آن با چوب صورت گرفته است مانند تالار



مقرنهای تزئینی بالای مدخلی از بناهای اصفهان عصر صفوی



مقرنهای تزئینی بالای مدخلی از تالار صد ستون تخت جمشید - هخامنشی

۴ - در تزئین بناهای تخت جمشید و اصفهان صفوی پیچ تزئینی فنی بکاررفته است مانند سرستونهای آپادانا و نبش جرزهای تالار مربع مسجد شیخ لطف الله. البته پیچ سرستونهای آپادانا در روی سنگ و اقی است و پیچ نبش جرزهای مسجد شیخ لطف الله کاشی و بیشتر عمودی می باشد.

۵ - در تزئین اکثر بناهای تخت جمشید صحنه‌هایی از حوادث تاریخی: جلوس، پذیرائی، رفتن بدربار و غیره نقش شده است. از این نوع صحنه‌های تاریخی در تزیینات بناهای اصفهان عصر صفوی نیز نشان داده شده است ولی صحنه‌های تخت جمشید، مانند نقوش پلکان کاخ آپادانا، با نقش برجسته و صحنه‌های اصفهان، مانند سردر قیصریه و چهل ستون با نقاشی اجرا گردیده است.

۶ - در نقوش تخت جمشید با نمایش لباسها و هیأت نمایندگان ملل مختلف يك مسأله مردم شناسی مطرح است که در نقاشیهای عصر صفوی نیز مطرح می باشد.

۱۸ - ایضاً آثار ایران، ص ۶۷ تا ۷۵.

آپادانا. در اصفهان عصر صفوی نیز از ستونها و قاب بندی چوبی استفاده شده است و مثالهای بارز ما ایوان عالی قاپو و چهل ستون است.

از لحاظ تزیینات:

۱ - در تخت جمشید نقوش برجسته روی سنگ بکثرت اجرا شده است. در دوره صفوی نقوش باین تفصیل و کثرت اجرا نشده ولی کار روی سنگ معمول بوده است مانند سنگهای حجاری شده مسجد شاه و پایه بعضی ستونهای کاخ و باغ چهل ستون.

۲ - در تزئین ستونهای تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی شباهت زیادی بکاررفته است مانند ستونهای آپادانا و چهل ستون.

۳ - در مدخل بعضی بناهای مهم تخت جمشید و اصفهان مقرنس تزئینی بکاررفته است. ولی این تزئین در دوره هخامنشی با اختصار در روی سنگ و در عصر صفوی بتفصیل با کاشی و موزائیک اجرا شده است مانند مدخلهای تالار صد ستون و کاخ سه دروازه تخت جمشید و مسجد شیخ لطف الله و مسجد شاه اصفهان.